

**تأثیر سرمایه اجتماعی - فرهنگی بر سبک زندگی زنان سالمند تحت حمایت بهزیستی (مطالعه موردی: استان گلستان)**

طاهره جباری توران<sup>۱</sup>، رحمت اله امیراحمدی<sup>۲</sup>، غلامرضا خوش فر<sup>۳</sup>

**چکیده**

یکی از مسائل عمده جهان امروز سالمندی و پیامدهای ناشی از آن است، از همین رو سبک زندگی سالمندان و عوامل تاثیرگذار بر آن، مورد توجه جامعه شناسان، قرار گرفته است. هدف اصلی این پژوهش شناسایی تاثیر سرمایه اجتماعی - فرهنگی بر سبک زندگی زنان سالمند می باشد. روش پژوهش پیمایشی بوده و در قلمرو زمانی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ در استان گلستان اجرا شده است. جامعه نمونه پژوهش که به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند ۱۸۳ نفر از سالمندان بالای ۶۰ سال هستند که از خدمات بهزیستی استان استفاده می کنند. برای سنجش سبک زندگی از پرسشنامه سبک زندگی میلر و اسمیت و برای سنجش سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی از سوالات پرسشنامه های تحقیقات قبلی انجام گرفته در این زمینه، استفاده شد که اعتبار و پایایی آنها مورد تأیید قرار گرفته اند، برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد بین سرمایه اجتماعی - فرهنگی با سبک زندگی زنان سالمند رابطه معنی دار و مثبت وجود دارد. آنالیز واریانس تحلیل رگرسیونی برای سرمایه اجتماعی و فرهنگی نشان می دهد سبک زندگی با ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی، مشارکت رسمی و غیر رسمی و تعامل اجتماعی) و ابعاد سرمایه فرهنگی (مصرف فرهنگی، تعداد کتاب، تعداد آثار هنری، زبان خارجی، مصرف رسانه ای) دارای رابطه خطی مستقیمی است و بکار گیری تدابیر مدیریتی و آموزشی به منظور ارتقاء سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی برای رسیدن به سبک زندگی مطلوب پیشنهاد می گردد.

**واژگان کلیدی:** سبک زندگی، زنان سالمند، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران (Email: Tahereh56.j@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار گروه جامعه شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران (نویسنده مسئول) (Email: Amirahmadi569@yahoo.com)

<sup>۳</sup> دانشیار، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه جامعه شناسی و ارتباطات، دانشگاه گلستان، ایران (Email: Khoshfar@gmail.com)

## مقدمه

گستره و حوزه مفهوم سبک زندگی خالی از مناقشات بی پایان اصحاب علوم اجتماعی نبوده است. برخی تلاش کرده اند تا با قرار دادن سبک زندگی ذیل مفهوم طبقه اجتماعی پویایی و غنای بیشتری بدان (طبقه) بخشند؛ اما در مقابل عده بیشتری سبک زندگی را مفهومی در عرض طبقه و امری ورای تقسیمات طبقاتی قلمداد کرده اند. این که آیا سبک زندگی فقط رفتار و نمودهای بیرونی فرد را شامل می شود یا ذهنیت و نگرش او را نیز در بر می گیرد، محل نزاع دیگری بوده است. اغلب قلمرو این مفهوم آن چنان گسترده تعریف شده است که همه چیز، از الگوی مصرف، نوع پوشش، دکوراسیون خانه و محل کار، ژست های رفتاری، نحوه صحبت، فعالیت های اوقات فراغت تا نگرش های سیاسی و اجتماعی و علاقه مندی های شخصی را در بر می گیرد. با این وجود بخش اعظم کارهای تجربی که در آن از سبک زندگی به عنوان یک ابزار تحلیلی استفاده شده، این مفهوم را با دو مقوله مورد استفاده قرار می دهند: الگوی مصرف و اوقات فراغت. چنان که بیراه نیست اگر این دو را مولفه های اصلی تعیین و تشکیل سبک زندگی قلمداد کنیم (صفارهرندی، ۱۳۸۹: ۶۱، ۶۰) و گیدنز در تعریف سبک زندگی معتقد است که سبک زندگی مجموعه ای نسبتاً منظم از همه رفتارها و فعالیت های یک فرد معین در جریان زندگی است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۱)

اما نظریه پردازان علوم اجتماعی معتقدند سبک زندگی متاثر از عوامل بسیاری چون عوامل اقتصادی، ارزش ها، نگرش ها، دین، زمینه های اجتماعی و مانند آنها می باشد. در واقع افراد با توجه به دارایی های خود سبک زندگی خود را برمی گزینند که سرمایه فرهنگی یکی از این دارایی هاست (گنجی، ۱۳۹۴: ۱۲۹، ۱۷۶)

بوردیو<sup>۲</sup> از مفهوم سرمایه های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در این مفهوم بهره می برد. از دیدگاه او حجم انواع این سرمایه ها، موجب شکل گرفتن طبقه می گردد و منش فرد در هر طبقه به یکدیگر کلید می خورند و همین منش و سلوک مشترک، موجب شکل گرفتن سبک های زندگی است. افراد بنا بر نوع و میزان سرمایه خود، در یک فضای اجتماعی تمایز خود را نشان می دهند و همین امر سبب شکل گرفتن سبک های متفاوت می شود. از نظر بوردیو سرمایه، منبعی است که به فرد امکان میدهد که سود خاصی را از طریق مشارکت در رقابت بر سر آن بدست آورد. سرمایه یک منبع عام است که میتواند شکل پولی و غیر پولی و همچنین ملموس و غیرملموس به خود بگیرد. لذا وی اشکال مختلفی را برای سرمایه قائل است که عبارتند از:

- ۱- سرمایه اقتصادی: که قابل تبدیل شدن به پول است و می تواند به شکل حقوق مالکیت نهادینه شود.
- ۲- سرمایه فرهنگی: که عبارتست از ارزش ها و هنجارها و توانایی های اجتماعی که فرد درونی کرده و می تواند به او در دست یابی به منابع کمک نماید. این نوع از سرمایه در برخی از شرایط قابل تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی است. سه منبع عمده سرمایه فرهنگی از نظر بوردیو عبارتند از: پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی (امیراحمدی و نوابخش، ۱۳۹۵: ۳۸)
- ۳- سرمایه اجتماعی: در میان انواع سرمایه های مد نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی دارای جایگاه خاصی است. به نظر وی سرمایه اجتماعی بعنوان شبکه ای از روابط یک ودیعه طبیعی یا حتی یک ودیعه اجتماعی نیست بلکه چیزی است که در طول زمان و تلاش بی وقفه بدست می آید. (بوردیو، ۱۳۸۱: ۳۱)

بر این اساس آنچه در سبک زندگی می تواند حائز اهمیت می باشد بعد سرمایه ای آن است و در این تحقیق متغیرهای مرتبط با سبک زندگی زنان سالمند، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، در نظر گرفته شده. و هدف اصلی آن شناسایی تاثیر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی زنان سالمند می باشد. سالمندی جمعیت ناشی از یک فرآیند انتقالی جمعیت شناختی است که در آن باروری و مرگ و میر از سطحی بالاتر به سطحی پایین تر کاهش می یابند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹: ۱۸۷) پدیده پیر شدن جمعیت جهانی به دلیل کاهش میزان مرگ و میر ناشی از پیشرفت های علوم پزشکی، بهداشت، آموزش و پرورش و در نتیجه افزایش نرخ

<sup>1</sup> Giddens

<sup>2</sup> Bourdieu

امید به زندگی و طول عمر (تاجور، ۱۳۸۲: ۳) افزایش جمعیت افراد ۶۰ سال به بالا را موجب شده است که این افراد طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت، سالمند نامیده می شوند (جاکیسو، ۲۰۱۵: ۱۷۴) بر اساس این تعریف بیش از ۶۰۰ میلیون نفر از جمعیت دنیا سالمند هستند و این رقم تا سال ۲۰۲۵ به ۲ برابر خواهد رسید و تا سال ۲۰۵۰ بالغ بر ۲ میلیارد نفر خواهد بود (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۱) در حال حاضر کشور ایران نیز مرحله انتقال ساختار سنی جمعیت از جوانی به سالخوردگی را تجربه می کند. در ایران نیز به مدد افزایش شاخصهای بهداشتی و درمانی، اقتصادی و اجتماعی هم اینک شاخص امید به زندگی به ۷۴ سال رسیده و پیش بینی می شود جمعیت بالای ۶۰ سال ایران در سال ۲۰۲۱ به بیش از ۱۰٪ جمعیت کل کشور و در سال ۲۰۵۰ به بیش از ۲۰ درصد این جمعیت بالغ شود. نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ ایران نشان می دهد ۱/۸ درصد جمعیت ۷۵ میلیونی ایران در این سال ۶۰ سال و بالاتر، ۵/۷ درصد ۶۵ سال و بالاتر و ۱/۲ درصد ۸۰ سال و بالاتر سن داشتند. پیش بینی می شود تا سال ۱۴۳۰ جمعیت سالمند ایران به بیش از ۲۶ میلیون افزایش می یابد. شدت سالمندی جمعیت ایران از سال ۱۴۱۵ به بعد خود نمایی خواهد کرد. در این مورد افزایش نسبت سالمندان ۶۰ سال و بالاتر از حدود ۱۲٪ به عدد ۱۴٪ در سال ۱۴۱۵ و ۲۲٪ در سال ۱۴۲۵ خواهد رسید (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) سالمند شدن جمعیت در ایران یکی از اساسی ترین چالش های نظام تامین اجتماعی است، به طوری که با سالخورده شدن جمعیت، بار مالی آن بر این نظامها نیز افزون تر شده و بایستی برای آن تدبیری جدی اندیشیده شود. سالخوردگی جمعیت چالشهایی را در حوزه های اجتماعی، سلامت، هزینه های درمان و... برای خانواده و دولت به همراه دارد که حاکی از آن است که می بایست به سبک زندگی سالمندان التفاتی ویژه داشت. پدیده سالمندی از بعد اقتصادی نیز قابل بررسی است. در واقع فرد با خارج شدن از چرخه اقتصادی و تبدیل شدن به نیروی غیر فعال و مصرف کننده، فشار اقتصادی بر روی جمعیت فعال و شاغل جامعه افزایش می یابد.

بطوری که پترسون (سالمندی را یک بار اقتصادی بی سابقه دانسته است (مک ویتی، ۲۰۰۲: ۴۳) امروزه سبک زندگی سالمندان بسیار مورد توجه جامعه شناسان، پزشکان، محققان و سیاست مداران قرار گرفته است، چرا که سالمندی و پدیده پیر شدن ناگزیر و اجتناب ناپذیر است اما تحقیقات نشان داده است که با تغییر مناسب در سبک زندگی، می توان دوران پیری مطلوب تری را سپری کرد. به همین دلایل مطالعه سبک زندگی سالمندان اهمیت مضاعفی می یابد. این که سالمندان با چه سبکی زندگی می کنند دارای اهمیت بسیاری است. مسلماً سبک زندگی سالمندی که در روستایی واقع شده در کشور جهان سوم، با سبک زندگی سالمندی در شهری که در قلب یک کشور توسعه یافته زندگی می کند، متفاوت خواهد بود. بنا بر این سبک زندگی سالمندان با مقتضیات مکان و زمان، فضایی که زندگی می کنند در ارتباط خواهد بود (جدیدی، ۱۳۹۷: ۴۷) مطالعات نشان می دهد وضعیت مردان بهتر از زنان می باشد. به طوری که سالمندان زن نه تنها به لحاظ جنسیتی در معرض آسیب قرار دارند، بلکه در دوران سالمندی نیز از جهات مختلف بهداشتی، اجتماعی و روانی ممکن است آنان را در معرض آسیب قرار دهند. میزان کیفیت زندگی در زنان سالمند از مردان سالمند کمتر است (۶/۳۱ در برابر ۲۶/۳۴ درصد). میزان تنهایی در زنان سالمند بیشتر از مردان سالمند است (۸/۱۲ در برابر ۵/۲ درصد) و میزان سپردن زنان سالمند به آسایشگاه از مردان سالمند بیشتر است (۶/۶۰ در برابر ۴/۳۹ درصد). (شیرازی خواه، ۱۳۹۰: ۶۷) مقدار شاخص نسبت جنسی در ایران نشان می دهد که در سال ۱۳۳۵ به ازای ۱۰۰ زن سالمند (۶۵ سال و بالاتر)، ۱۱۱ مرد سالمند در جمعیت کشور وجود داشته است. مقدار این شاخص در سال ۱۳۹۰ به این صورت است که به ازای ۱۰۰ زن سالمند حدود ۹۹ مرد سالمند در کشور بوده است. (مرکز آمار ایران) که حدود ۶ درصد مردان سالمند، تنها زندگی میکنند؛ در حالی که این میزان در مورد زنان به ۲۱ درصد می رسد (سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۹۵) آمار زنان سالمند در استان گلستان نیز بیانگر افزایش زنان سالمند نسبت به مردان است. در سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد کل زنان و مردان بالای ۶۵ سال استان ۱۴۵۶۹۴ عنوان شده که از این تعداد ۶۹۹۹۶۷ مردان و ۷۵۷۲۲۷ را زنان تشکیل می دهند که نشان دهنده آمار بالای زنان سالمند نسبت به مردان است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) با در

<sup>1</sup> Peterson

نظر گرفتن تفاوت های مهم و جدی بین سبک زندگی زنان و مردان سالمند و ظهور نشانه هایی از زنا نه شدن سالمندی در ایران، مطالعات و تحقیقات در این زمینه اهمیت بسیاری دارد.

در رابطه با مباحث قبل و مسئله دار شدن سالخورده گی باید بگویم زنا نه شدن سالمندی در ایران پیچیده تر میباشد چرا که نسبت بزرگی از زنان در ایران غیر شاغل بوده و فاقد هر نوع منبع در آمد فردی میباشد. همچنین مالکیت اموال غیر منقول، خصوصاً مسکن، بیشتر امری مردانه است و از این رو یک نابرابری اقتصادی بزرگ به وجود آمده که زندگی سالمندان زن ایران را تحت تاثیر قرار میدهد (قاضی طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۱). در بررسیهایی که به وسیله چند تن از متخصصان حوزه جمعیت شناسی انجام گرفته، یکی از عواملی را که در وخیم شدن وضع سالمندان در آینده مهم دانسته شده، عدم وجود سیاست اجتماعی مشخص در قبال مسائل سالمندان در ایران می باشد (مهریار، ۱۳۸۶). ولی آنچه مسلم است از سالمندی نمی توان پیشگیری کرد و همگان را شامل می شود (افضلی، ۱۳۸۴: ۱) کمبود قوانین پشتیبان حقوق سالمندان و ضمانت اجرایی، عدم استفاده کافی از ظرفیتهای شورای ملی سالمندان، عدم توجه کافی به ساماندهی سالمندان در قانون برنامه ششم، فعالیت های موازی و عدم وجود گزارش منسجم، جامع و کامل از عملکرد دستگاهها، نامشخص بودن جمعیت هدف و عدم وجود بانک اطلاعات، عدم کارایی برخی از فعالیت ها، پوشش ناکافی رفاهی و بیمه ای، ضعف و عدم کارایی نهادهای مردمی مرتبط، عدم کفایت سیستم بهداشتی درمانی و توانبخشی موجود در امور تخصصی سالمندان از جمله آسیبهایی است که پدیده سالمندی در ایران را به یک چالش جدی تبدیل کرده است.

واقعیت این است که جامعه ما به طور کلی فاقد ساختارها، روال ها و تمهیدات لازم برای حمایت از سالمندان می باشد. ظرف بیست سال آینده درصد جمعیت سالمندان از دو برابر آمار کنونی نیز فراتر خواهد رفت و چنانچه مدیریت جامعه از هم اکنون به طور جدی به فکر ایجاد ساختارها و روال لازم برای مدیریت و حمایت صحیح از این قشر نباشد، بدون شک با انبوهی از مشکلات در این زمینه روبرو خواهیم شد. اما اگر یک مدیریت علمی جامع و تدریجی که از هم اکنون پا به صحنه عمل گذارد، می تواند این تهدید را به یک فرصت تبدیل نماید.

با عنایت به مسائل مطروحه، یکی از اساسی ترین موضوعاتی که جوامع باید به آن اهتمام ورزند توجه به سالمندان و شناسایی نقش سرمایه اجتماعی و فرهنگی زنان سالمند در سبک زندگی آنان است. با افزایش تعداد سالمندان در جهان و بخصوص ایران توجه به مشکلات و توجه به سبک زندگی آنان اهمیت می یابد. این نکته نیز قابل ذکر است که روند سالمند شدن جمعیت در کشورهای چون ایران سریع تر از توسعه اقتصادی- اجتماعی برای آنها صورت میگیرد. در صورتی که برنامه ریزی های مربوط به سالمندان به گونه ای آینده نگرانه صورت نگیرد، چنین تفاوتی نهایتاً چالشهای بیشتری را برای سالمندان به دنبال خواهد داشت. با توجه به زنا نه شدن سالمندی در ایران، در نظر گرفتن سیاستهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای مواجه شدن با این پدیده، لازم و ضروری به نظر میرسد. بدین ترتیب با درک ضرورت و اهمیت موضوع، این پژوهش در صدد پاسخ به این سوال اساسی می باشد که برخورداری از سرمایه اجتماعی و فرهنگی چه رابطه ای با سبک زندگی زنان سالمند دارد؟

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بورديو در کتاب تمایز (۱۹۹۷) به تحلیل انتخاب های سبک زندگی پرداخته و آن را از این جهت با اهمیت دانسته که تمایزات اجتماعی و ساختاری در دهه اخیر مدرنیته به طور روز افزونی از رهگذر صور فرهنگی بیان می شوند. به نظر بورديو کلیه اعمال مصرف، یعنی استحصال و دخل و تصرف باید به منزله نمایی از تسلط بر یک رمز ارتباطی در نظر گرفته شود و نیز باید به منزله یک «گرایش زیباشناختی» درک شود، که پرتقاضاترین عنوانی است که دنیای فرهنگ (همیشه به طور ضمنی) تحمیل می کند معتقد است که سبک و سیاق استفاده از کالا به خصوص آن دسته از کالاها که ممتاز قلمداد می شوند، تشکیل دهنده یکی از نشانه های کلیدی هویت و نیز سلاحی ایده آل در استراتژیهای تمایز است. او در این کتاب بر حسب منطق دیالکتیکی نشان داده است که مصرف نه تنها راهی برای نشان دادن تمایزات بلکه خود راهی برای ایجاد تمایزات می باشد. مفهوم تمایز دال بر این واقعیت است که در واقع

معنای تمایز به مجموعه ای از تفاوت ها اطلاق می شود که رفتارها و سبک های زندگی افراد جامعه به لحاظ موقعیت های متفاوتشان از لحاظ سرمایه و قرار گرفتن در میدان های اجتماعی گوناگون میان آن ها ظاهر می شود. به باور بوردیو همه آنچه سلیقه فرهنگی، انتخاب هنری، و ... نامیده می شود که کاملاً طبیعی و ناشی از قریحه های ذاتی افراد شمرده می شود، رابطه مستقیم و قابل اثباتی با وضعیت و موقعیت اجتماعی افراد دارد. بدین سان از دیدگاه بوردیو، ذائقه ها و ترجیحات زیباشناختی متفاوت، سبک های زندگی متفاوتی را ایجاد می کنند؛ سبک زندگی محصول نظام مند منش هایی می باشد که از خلال رابطه دو جانبه با رویه های منش درک می شود و تبدیل به نظام نشانه هایی می گردد که به گونه ای جامع مورد ارزیابی قرار گیرد. در واقع این گونه که بوردیو در عبارت فوق نیز اشاره می کند، مصرف به عنوان نظامی از نمادها و نشانه ها مطرح است که کارکردهایی همچون تمایز اجتماعی دارد. البته به نظر بوردیو معنای مصرف از همین تفاوت و تمایز ناشی می شود و چیزی جز آن نیست. از این رو در بحث بوردیو مصرف تنها به عنوان پاسخ به نیازهای زیستی مطرح نمی گردد، بلکه به عنوان مکانیسمی از نشانه ها و نمادها است که خود این نشانه ها و نمادها از خلال فرایند مصرف تولید می شوند. از این رو در اندیشه بوردیو برخلاف مارکسیسم کلاسیک، مصرف صرفاً یک متغیر وابسته نیست بلکه می تواند یک متغیر مستقل نیز باشد (بهنوئی، ۱۳۹۱: ۸۷). بوردیو سبک زندگی را محصول انتخاب های سلیقه ای می داند و معتقد است که این انتخابها تحت تاثیر موقعیت ساختاری انجام می شوند. سبک زندگی بخش های مختلفی؛ همچون فعالیتهای فراغتی، مصرف فرهنگی، مدیریت بدن، الگوی خرید، الگوهای مصرف غذا را شامل می شود. سبک زندگی مجموعه متعددی است از ترجیحات که تمایز بخش مصرف است که قصد نمایش واحد را در منطق خاص هر خرده فضای نمادین (لباس، غذا و غیره) نشان می دهد. هر جنبه از سبک زندگی در سایر جنبه ها متجلی می شود و خود نیز سایر جنبه ها را متجلی می کند. سلیقه، ضابطه زاینده سبک زندگی است. ذوق و سلیقه، منبع نظام ویژگی های متمایزی است که هر کس که شناخت عملی درباره روابط میان نشانه ها و موقعیت های متمایز دارد) روابط میان جهان ویژگی های عینی که با مفاهیم و نظریه های علمی روشن می شود و جهان عینی سبک های زندگی که به خودی خود در تجربه عادی وجود دارد)، باید آن را به مثابه تجلی سیستماتیک طبقه خاصی از شرایط وجودی، یعنی به مثابه سبک زندگی متمایز تشخیص دهد (بوردیو ۱۹۹۷) او در بحث از انواع سرمایه به سه نوع سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، و سرمایه اجتماعی اشاره می کند (بوردیو ۱۹۹۷) و معتقد است که سرمایه بسته به حوزه فعالیت آن می تواند خود را به سه شکل بنیادین درآورد:

- ۱- به عنوان "سرمایه اقتصادی" که بی درنگ و مستقیماً قابل تبدیل به پول است و شامل درآمد و بقیه انواع منابع مالی است و می توان آن را به شکل حقوق مالکیت نهادینه کرد.
- ۲- به عنوان "سرمایه فرهنگی" که به شرایط معین قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی وابسته است و می توان آن را به شکل کیفیت های آموزشی (مدارک و مدارج تحصیلی) نهادینه کرد.
- ۳- و سرمایه اجتماعی که از تکالیف و تعهدات اجتماعی (پیوندها و ارتباطات) تشکیل شده است و می توان آن را به شکل و قالب اشرافی (در شکل اصالت و شهرت) نهادینه کرد (شارع پور، ۱۳۸۱: ۱۳۳) در میان انواع سرمایه های مد نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی دارای جایگاه خاصی است. به نظر وی سرمایه اجتماعی بعنوان شبکه ای از روابط یک ودیعه طبیعی یا حتی یک ودیعه اجتماعی نیست بلکه چیزی است که در طول زمان و تلاش بی وقفه بدست می آید. بعبارت دیگر شبکه روابط، محصول راهبردهای سرمایه گذاری فردی و جمعی آگاهانه و ناخودآگاه است که هدفش ایجاد یا بازتولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه مدت یا بلندمدت قابل استفاده هستند و سرمایه اجتماعی هر فرد بستگی به تعداد روابط و میزان سرمایه (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نمادی) دارد (جان فیلد: ۱۳۹۲: ۱۷) بوردیو توضیح می دهد که افراد نبایستی فقط به رابطه داشتن با دیگران اکتفا کنند بلکه بایستی بدانند این شبکه ها چگونه عمل می کنند و چگونه می توان این روابط را در طول زمان حفظ کرد و از آنها بهره گرفت (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۵۴)

رابرت پاتنام عالم سیاسی آمریکایی از دیگر صاحب‌نظران است که در دهه‌های اخیر در رواج اندیشه سرمایه اجتماعی نقش بسزایی داشته است تا جایی که رویکرد وی در باب سرمایه اجتماعی رویکردی غالب محسوب شده و رویکرد «معیار» نامیده می‌شود وی سرمایه اجتماعی را با سه مولفه تعریف می‌کند:

شبکه‌ها: روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنها با یکدیگر بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام است و شبکه‌ها را به عنوان خاستگاه دو مولفه دیگر سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد و هنجارهای معامله متقابل مطرح می‌سازد و می‌گوید که شبکه‌های رسمی و غیر رسمی ارتباطات و مبادلات در هر جامعه‌ای وجود دارند که برخی از این شبکه‌ها افقی یا مساوات‌طلب و برخی دیگر شبکه‌های عمودی یا انحصارطلب قابل تفکیک می‌داند. در شبکه‌های افقی شهروندانی عضویت دارند که از قدرت و وضعیت برابری برخوردار بوده و در شبکه‌های عمودی شهروندانی عضوند که در وضعیتی نابرابر نسبت به هم به سر می‌برند. از نظر وی شبکه‌های افقی در قالب مشارکت مدنی مانند انجمن‌های همسایگی، کانون‌های سرود خوانی باشگاه‌های ورزشی، احزاب مردمی و... روی می‌دهند و شبکه‌های عمودی فاقد توان لازم برای برقراری اعتماد و همکاری اجتماعی هستند که دو عامل اساس این قضیه است یکی غیر موثق بودن جریان اطلاعات در شبکه‌های عمودی نسبت به افقی است و دوم این که هنجارهای معامله متقابل و مجازاتهای مربوط به تخلف مانع از فرصت‌طلبی می‌شوند و شبکه‌های عمودی برای تعاملات عالی کمتر وضع و اجرا می‌شوند. هر چه شبکه‌های اجتماعی بویژه شبکه‌های افقی در یک جامعه بیشتر باشد مردم تمایل بیشتری به همکاری و نفع جمعی دارند.

هنجارهای همیاری: در هر گروه اجتماعی هنجارهایی هستند که مهم‌ترین سودمندی آنها تقویت اعتماد، کاهش هزینه معاملات و تسهیل همکاری است. از نظر پاتنام مهم‌ترین این هنجارها، هنجارهای معامله متقابل هستند وی این هنجارها را مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی می‌داند این هنجارها با شبکه‌های انبوهی از مبادلات اجتماعی مرتبط است و هر یک دیگری را تقویت می‌کند (غلامزاده، ۲۲۶:۱۳۸۷).

اعتماد اجتماعی: از نظر پاتنام، شایع‌ترین شکل سرمایه اجتماعی اعتماد است که تحت عنوان «منابع اخلاقی» شناخته می‌شوند منابعی که ذخیره‌شان در حین استفاده به جای کاهش، افزایش می‌یابد و در صورت عدم استفاده کاهش می‌یابد. وی اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع می‌داند یعنی هنجارهای معامله تقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی. بدین ترتیب که شبکه‌ها، هنجارها را تولید می‌کنند و هنجارهای تولید شده باعث ایجاد اعتماد می‌شوند: (غلامزاده، ۲۲۶:۱۳۸۷). از نظر وی اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هر چه سطح اعتماد در یک جامعه بالاتر باشد همکاری هم بیشتر خواهد شد و باز این همکاری به نوبه خود اعتماد را ایجاد می‌کند. همه چیز با توجه به شعاع اعتماد، به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد تعمیم یافته‌اشاره دارد و نوع دوم را برای جامعه سودمندتر می‌داند به نظر وی این نوع اعتماد، شعاع اعتماد را از کسانی که شخصاً می‌شناسیم فراتر می‌برد و همکاری گسترده‌تر در سطح جامعه را موجب می‌گردد. وی ۲ شکل سرمایه اجتماعی را از هم مجزا می‌کند:

۱- سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده یا جامع

۲- سرمایه اجتماعی درون‌گروهی یا انحصاری

سرمایه اجتماعی درون‌گروهی هویت‌های انحصاری را تقویت کرده و باعث حفظ هماهنگی می‌شود و سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده، افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی متنوع را گرد هم می‌آورد. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی برای تعامل‌های خاص و انتقال همبستگی سودمند است و هم‌چنین در نقش یک نوع چسب اجتماعی قوی اجتماعی برای حفظ وفاداری درون‌گروهی قوی و تقویت هویت‌های مشخص عمل می‌کند. اتصالات ارتباط‌دهنده برای اتصال به ابزارها و امکانات خارجی و نشر اطلاعات مفیدند و یک پیش‌جامعه‌شناختی فراهم می‌آورند که می‌توانند هویت‌ها و تعاملات وسیع‌تری را بوجود آورند (جان فیلد: ۱۳۹۲: ۱۷).

بنابر این سرمایه اجتماعی و فرهنگی از متغیرهای اصلی و اثرگذار بر سبک زندگی هستند. به باور بوردیو دارندگان سرمایه اجتماعی و فرهنگی خود را از بقیه متمایز می‌کنند. داشتن سرمایه فرهنگی بیشتر به معنای داشتن توان شناختی بالاتر است که این شناخت به

فرد کمک کرده تا انتخاب هایی را برگزیند که او را از دیگران متمایز و نهایتاً منجر به داشتن سبک زندگی متفاوتی شود. و حجم و میزان سرمایه هر فرد رفتار و سبک زندگی او را تحت تاثیر قرار می دهد

بر اساس نظریه پاتنام برخی از ابعاد جنبه ها و اشکال سرمایه اجتماعی - که گاه از آنها به عنوان ارزش های اجتماعی نیز یاد می شود - عبارت اند از: اعتماد، صداقت، روابط، تعامل، حسن تفاهم، هم دردی، دوستی، همبستگی، فداکاری و ... این ابعاد از طریق جریان های اطلاع رسانی مثل آموزش مربوط به مشاغل، تبادل عقاید، تبادل اطلاعات، هنجارهای مربوط به معاملات در شبکه های اجتماعی، مشارکت های مردمی، گروه های خودیاری و نوع دوستی و روحیه جمع گرایی در برابر فردگرایی، و ... بین اعضای شبکه های اجتماعی شکل می گیرد، به طوری که جای پای این بحث را در روابط تمامی گروه های اجتماعی از قبیل: مذهبی (مسجد، کلیسا)، ورزشی (باشگاه ها)، مدنی (انجمن ها، اتحادیه ها، احزاب و رسانه های مستقل)، آموزشی و تربیتی (مدارس، دانشگاه ها) و در روابط همسایگی، هم محله ای، دوستانه، شغلی و بستگان نیز می توان مشاهده کرد. و بر اساس نظریه بوردیو ابعاد سرمایه فرهنگی عبارتند از: مصرف کالاهای فرهنگی، مالکیت کالاهای فرهنگی و عناوین دانشی.

در این پژوهش از نظریه بوردیو و پاتنام برای تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و سبک زندگی زنان سالمند استفاده شده است.

### پیشینه پژوهش

- زارع و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان تعیین کننده های سبک زندگی سلامت محور سالمندان تهرانی انجام دادند دریافتند تقریباً دو سوم سالمندان مورد بررسی، از سبک زندگی متوسطی برخوردارند. با در نظر گرفتن انواع سرمایه، ۵۶/۶ درصد نمونه تحقیق از سرمایه اقتصادی متوسط و ۶۲/۲ درصد آنان از سرمایه اجتماعی متوسطی برخوردارند. نتایج آزمون فرضیات نشان داد که سرمایه اجتماعی و اقتصادی با سبک زندگی مبتنی بر سلامت سالمندان رابطه معنی داری دارند و در حالی که سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی بی تاثیر است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد ۱۶ درصد تغییرات سبک زندگی سالمندان تابع سرمایه اجتماعی و اقتصادی است.
- الماسی (۱۳۹۷) در مطالعه ای تحت عنوان تعیین کننده های سبک زندگی سلامت محور در سالمندان شهر ایلام به بررسی سبک زندگی سالمندان شهر ایلام پرداخت که نتایج پژوهش ایشان نشان می دهد سرمایه اجتماعی همبستگی بالایی با سبک زندگی پاسخگویان دارد و سالمندانی که از سرمایه اجتماعی بهتری برخوردارند، سبک زندگی مطلوب تری دارند. بر این اساس هر اندازه سالمندان دارای سرمایه اجتماعی بالاتری باشند، به این معنا که این متغیر به عنوان مجموعه ای از ذخائر ارزشمند مانند اعتماد متقابل در بین افراد، حمایت های اجتماعی، روانی، و مالی، وجود شبکه های خویشاوندی، حس تعلق و وابستگی، حس تفاهم، همدردی و دوستی و سرمایه در برنامه های مختلف زندگی برای افراد سالمند وجود داشته باشد، سبک زندگی آنها در وضعیت بهتری قرار می گیرد.
- کیم و کاواکی (۲۰۰۷) رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی را در ایالت های مختلف آمریکا مورد بررسی قرار دادند نتایج نشان داد که در ایالت هایی که سرمایه اجتماعی بالا یا متوسط بوده سطوح بالاتری از سلامت جسمانی و روانی شهروندان (که از شاخص های کیفیت زندگی می باشد) مشاهده شده است. در این پژوهش مشخص شد که سطح درآمد و طبقه اجتماعی افراد مورد مطالعه نقش مهمی در تعیین سطح سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی ایشان داشته است. شوارتز و مارلین (۲۰۰۰) بر مبنای سلیقه ها و دارایی های فرهنگی سه بخش مختلف را شناسایی می کنند. شاغل در خدمات عمومی که "سرمایه فرهنگی" بالا و "سرمایه اقتصادی" پایینی دارند، معمولاً شیوه های سالم و فعال تری را برای زندگی برمی گزینند. مدیران مقامات اداری که سرمایه فرهنگی پایین و سرمایه اقتصادی بالا دارند، ترجیح می دهند سبک های سنتی دکوراسیون خانه و مد را انتخاب می کنند. نیازی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان فرا تحلیل رابطه سرمایه های

فرهنگی و سبک زندگی که به شیوه پیمایشی انجام دادند نشان دادند سرمایه فرهنگی با تعدیل گری قومت، جنسیت و تاهل، تاثیر متفاوتی بر سبک زندگی دارد و یافته ها نشان دادند اندازه اثر سرمایه فرهنگی و سبک زندگی معادل ۰/۲۸ است. مولودی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان سبک زندگی (ایرانی-اسلامی) و مصرف فرهنگی که بر روی ۳۸۴ نفر از شهروندان گرگانی بالای ۱۸ سال انجام گردید، نشان داد رابطه معناداری بین دو متغیر اصلی تحقیق (سبک زندگی و مصرف فرهنگی) وجود دارد. قاسمی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان تعیین کننده های ساختاری و سرمایه ای سبک زندگی سلامت محور، نشان داده است که اشکال متفاوت سرمایه انسانی (اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی) با سبک زندگی شهروندان رابطه معنادار دارد داشته است. نتیجه تحقیق حاکی از آن بوده است که رابطه کاملاً معنادار میان سرمایه ها و سبک زندگی سلامت محور وجود دارد. نهایتاً اینکه تاثیر گذاری سرمایه اجتماعی در این پژوهش بیشتر از سرمایه های اقتصادی و فرهنگی بوده و یا به عبارتی رابطه بین سرمایه اقتصادی و سبک زندگی سلامت محور در حد ضعیفی بوده است. احمدی و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان بررسی رابطه انواع سرمایه و سبک زندگی سلامت محور در زنان انجام دادند. یافته های این تحقیق نشان داد وضعیت زنان در چهار بُعد (رشد معنوی و خود شکوفایی، مسئولیت پذیری درباره سلامت، روابط بین فردی و تغذیه) در حد متوسط، اما در دو بُعد ورزش و فعالیت بدنی و مدیریت استرس در حد پایین است. علاوه بر آن، یافته های تحلیلی نشان داد که دو نوع سرمایه اقتصادی و فرهنگی و ابعاد آنها و بُعد شبکه های اجتماعی در مقیاس سرمایه اجتماعی، البته با درجات و شدت متفاوت با سبک زندگی سلامت محور ارتباط دارند. یعنی با ارتقاء سطح سبک زندگی شهروندان، سطح ذائقه و تنوع مصرف فرهنگی در چهار مقوله مصرف (موسیقی، فیلم، کتاب، تلویزیون) افزایش می یابد. نتایج بررسی پیوند میان سرمایه فرهنگی و اشکال مختلف سبک زندگی حاکی از آن بوده است که سرمایه فرهنگی به ویژه سرمایه فرهنگی نهادی نقش تعیین کننده در این مطالعات و در مطالعه پیشین اهمیت تحصیلات و افزایش سطح سواد شهروندان است.

### فرضیه پژوهش

- ۱- بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی زنان سالمند رابطه وجود دارد.
- ۲- بین سرمایه فرهنگی و سبک زندگی زنان سالمند رابطه وجود دارد.

### روش پژوهش

به لحاظ روش شناسی این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت موضوع پژوهش از نوع پیمایشی، و از نظر داده ها، کمی می باشد. تحقیق از لحاظ زمانی، مقطعی و قلمرو زمانی آن سال ۱۳۹۸ و قلمرو مکانی آن محدوده ی استان گلستان است. جامعه آماری پژوهش شامل ۳۴۰ زن سالمند بالای ۶۰ سال میگردد که تحت حمایت سازمان بهزیستی استان گلستان می باشند و از خدمات روزانه مراکز سالمندان استفاده می کنند. برای تعیین حجم نمونه از جدول کوکران استفاده گردید که با توجه به تعداد جامعه آماری (۳۴۰ نفر)، حجم نمونه به تعداد ۱۸۳ نفر تعیین شد روش نمونه گیری در این تحقیق، شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه ای متناسب بود. برای سنجش سبک زندگی از پرسشنامه سبک زندگی میسر و اسمیت و برای سنجش سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی از سوالات پرسشنامه های تحقیقات قبلی انجام گرفته در این زمینه، استفاده شد که اعتبار و پایایی آنها مورد تأیید قرار گرفته اند، استفاده شده است. برای تضمین اعتبار ابزار سنجش، از اعتباریابی محققان پیشین و نیز در مورد ابزارهای سنجش محقق ساخته، از اعتبار محتوایی از نوع اعتبار صوری، جهت سنجش پایایی پرسشنامه از روش کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای مفهوم سبک زندگی معادل ۰/۷۹۰ و مفهوم سرمایه فرهنگی ۰/۹۳۱ و فرهنگ ۰/۸۶۷ بدست آمده است. میانگین مقدار آلفا برای تمامی مفاهیم اصلی تحقیق بالای ۰/۷۰ می باشد که نشان دهنده روایی قابل قبولی است. و برای تجزیه و تحلیل داده ها، ابتدا به تحلیل ساده دو متغیری و سپس با استفاده از تکنیکهای پیشرفته آماری به تحلیل چند متغیری و آزمون فرضیات تحقیق پرداخته می شود.



**یافته ها**

یافته های پژوهش نشان می دهد از مجموع ۱۸۳ نفر افراد مورد مطالعه، ۶۰/۱ درصد متأهل، ۳۹/۳ درصد بیسواد و میانگین سنی آنان ۶۶/۹۵ سال می باشند. نمونه های مورد مطالعه از لحاظ کیفیت سبک زندگی به ترتیب ۲/۲ درصد در حد خیلی پایین، ۱۵/۳ درصد در حد پایین، ۳۰/۶ درصد در حد متوسط، ۳۸/۳ درصد در حد بالا و ۱۳/۷ درصد در حد خیلی بالا قرار دارند. مقایسه درصدهای فوق نشان می دهد از میان افراد مورد مطالعه نزدیک به ۵۰ درصد دارای سبک زندگی متوسط و پایین تر برخوردار هستند. شاخص میانگین رتبه ای سرمایه اجتماعی نشان می دهد که در مجموع سرمایه اجتماعی در میان زنان سالمند در حد ۳/۲۲۹ از ۵ می باشد. نمونه های مورد مطالعه از لحاظ سرمایه اجتماعی به ترتیب ۱۷/۵ درصد در حد خیلی بالا، ۲۱/۳ درصد در حد بالا، ۳۴/۴ درصد در حد متوسط، ۲۰/۲ درصد در حد پایین و ۶/۶ درصد در حد خیلی پایین قرار دارند. شاخص میانگین رتبه ای سرمایه فرهنگی حاکی از آن است که در مجموع سرمایه فرهنگی در میان زنان سالمند در حد ۲/۲۷۸ از ۵ می باشد. نمونه های مورد مطالعه از لحاظ سرمایه فرهنگی به ترتیب ۳۳/۹ درصد در حد خیلی بالا، ۲۵/۱ درصد در حد بالا، ۲۴/۶ درصد در حد متوسط، ۱۲/۰ درصد در حد پایین و ۴/۴ درصد در حد خیلی پایین قرار دارند.

**جدول (۱): سیمای نمونه ای آماری**

متغیر	گزینه ها	تعداد	درصد	میانگین
وضع تأهل	مجرد	۲	۱/۱	-
	متأهل	۱۱۰	۶۰/۱	
	متارکه (مطلقه)	۴	۲/۲	
	بدون همسر (فوت)	۶۷	۳۶/۶	
سطح تحصیلات	بیسواد	۷۲	۳۹/۳	-
	ابتدایی	۲۱	۲۲/۴	
	راهنمایی	۲۴	۱۳/۱	
	دبیرستان و دیپلم	۳۶	۱۹/۷	
	دانشگاهی	۱۰	۵/۵	
سن	۶۰-۶۴	۹۰	۴۹/۲	۶۶/۹۵
	۶۵-۶۹	۳۰	۱۶/۴	
	۷۰-۷۴	۳۳	۱۸/۰	
	۷۵-۷۹	۱۶	۸/۷	
	۸۰ به بالا	۱۴	۷/۷	

براساس ارقام مندرج در جدول بالا بیش از ۶۰ درصد زنان سالمند مورد مطالعه متأهل و مابقی بدون همسر هستند که البته بیشترین علت بی همسر بودن طلاق می باشد. از لحاظ سواد نیز حدود ۷۰ درصد کمتر از دیپلم بوده اند.

**جدول (۲): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سبک زندگی**

ردیف	کیفیت سبک زندگی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
۱	خیلی پایین	۴	۲/۲
۲	پایین	۲۸	۱۵/۳
۳	متوسط	۵۶	۳۰/۶
۴	بالا	۷۰	۳۸/۳
۵	خیلی بالا	۲۵	۱۳/۷
۶	جمع	۱۸۳	۱۰۰
میانگین = ۳/۴۵۹ از ۵			

همچنان که ملاحظه می شود، نمونه های مورد مطالعه از لحاظ کیفیت سبک زندگی به ترتیب ۲/۲ درصد در حد خیلی پایین، ۱۵/۳ درصد در حد پایین، ۳۰/۶ درصد در حد متوسط، ۳۸/۳ درصد در حد بالا و ۱۳/۷ درصد در حد خیلی بالا قرار دارند. مقایسه درصدهای فوق نشان می دهد از میان افراد مورد مطالعه ۳۸/۳ درصد بیشترین و در بالاترین کیفیت زندگی و ۲/۲ درصد هم در کمترین و پایین ترین کیفیت زندگی قرار دارند.

جدول (۳): توزیع نسبی سرمایه اجتماعی

ردیف	سرمایه اجتماعی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
۱	خیلی بالا	۳۲	۱۷/۵
۲	بالا	۳۹	۲۱/۳
۳	متوسط	۶۳	۳۴/۴
۴	پایین	۳۷	۲۰/۲
۵	خیلی پایین	۱۲	۶/۶
۶	جمع	۱۸۳	۱۰۰
میانگین = ۳/۲۲۹ از ۵			

همچنان که ملاحظه می شود، نمونه های مورد مطالعه از لحاظ سرمایه اجتماعی به ترتیب ۶/۶ درصد در حد خیلی پایین، ۲۰/۲ درصد در حد پایین، ۳۴/۴ درصد در حد متوسط، ۲۱/۳ درصد در حد بالا و ۱۷/۵ درصد در حد خیلی بالا قرار دارند. مقایسه درصدهای فوق نشان می دهد از میان افراد مورد مطالعه ۳۸/۳ درصد بیشترین و در بالاترین کیفیت زندگی و ۲/۲ درصد هم در کمترین و پایین ترین کیفیت زندگی قرار دارند.

جدول (۴): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سرمایه فرهنگی

ردیف	سرمایه فرهنگی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
۱	خیلی بالا	۶۲	۳۳/۹
۲	بالا	۴۶	۲۵/۱
۳	متوسط	۴۵	۲۴/۶
۴	پایین	۲۲	۱۲/۰
۵	خیلی پایین	۸	۴/۴
۶	جمع	۱۸۳	۱۰۰
میانگین = ۲/۲۷۸ از ۵			

شاخص میانگین رتبه ای حاکی از آن است که در مجموع سرمایه فرهنگی در میان زنان سالمند در حد ۲/۲۷۸ از ۵ می باشد. همچنان که ملاحظه می شود، نمونه های مورد مطالعه از لحاظ سرمایه فرهنگی به ترتیب ۳۳/۹ درصد در حد خیلی بالا، ۲۵/۱ درصد در حد بالا، ۲۴/۶ درصد در حد متوسط، ۱۲/۰ درصد در حد پایین و ۴/۴ درصد در حد خیلی پایین قرار دارند. مقایسه درصدهای فوق نشان می دهد از میان افراد مورد مطالعه ۳۳/۹ درصد بیشترین و ۴/۴ درصد هم در پایین ترین میزان برخورداری از سرمایه فرهنگی قرار دارند. شناسایی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی با سبک زندگی زنان سالمند به عنوان هدف اصلی پژوهش مورد توجه قرار گرفت. در این راستا برای آزمون فرضیه مورد نظر، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج حاصله به شرح جدول ذیل می باشد.

جدول (۵): رابطه بین متغیرهای مستقل با وابسته (ضریب همبستگی پیرسون)

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار آزمون	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
سرمایه اجتماعی	سبک زندگی	۰/۵۳۲	۰/۰۰۰	تأیید
سرمایه فرهنگی	سبک زندگی	۰/۳۰۹	۰/۰۰۰	تأیید

رابطه بین متغیرها نشان می دهد بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی با سبک زندگی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. مقدار آزمون حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی قوی ترین رابطه را با سبک زندگی زنان سالمند دارد و در رتبه اول قرار گرفته است. سپس سرمایه فرهنگی قرار دارد که در رتبه دوم اهمیت جای گرفته است. بر اساس این یافته، فرضیه های اصلی تحقیق مورد تأیید قرار می گیرد. بدین ترتیب، سبک زندگی زنان سالمند به طرز جدی تحت تأثیر سرمایه های اجتماعی و سرمایه فرهنگی قرار دارد. نکته حائز اهمیت وزن بیشتر سرمایه اجتماعی نسبت به سرمایه فرهنگی می باشد. گویی اعتماد، مشارکت و تعامل اجتماعی به عنوان عناصر اصلی سرمایه اجتماعی تعیین کننده موثرتری در سبک زندگی زنان سالمند هستند.

جدول (۶): نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره تأثیر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی

روش ورود متغیرها	جبری
ضریب همبستگی چند گانه	$R = ۰/۵۸۹$
ضریب تعیین	$R \text{ Square} = ۰/۳۴۷$
ضریب تعیین تعدیل یافته	$\text{Adjusted R Square} = ۰/۳۳۶$
خطای معیار (خطای همبستگی)	$\text{Std. Error of the Estimate} = ۸/۷۹۴$
تحلیل واریانس	$F = ۳۱/۶۴۴$
سطح معناداری	$\text{Sig} = ۰/۰۰۰$

در معادله تحلیل رگرسیونی فوق صرفاً انواع سرمایه ۶-ها به عنوان متغیرهای مستقل وارد معادله شده اند. جدول فوق نتایج حاصل از اجرای رگرسیون چند متغیره که با استفاده از روش جبری اجرا شده است را نشان می دهد. همان طور که ملاحظه می شود، برای معادله رگرسیون، آنالیز واریانس محاسبه گردیده و مقدار  $F$  برابر  $۳۱/۶۴۴$  و معنی دار بودن  $F$  نیز  $(\text{Sig} = ۰/۰۰۰)$  است که نشان می دهد به طور حتم سبک زندگی با سرمایه اجتماعی و فرهنگی دارای رابطه خطی مستقیمی است. بنابراین فرضیه های اصلی تحقیق مبنی بر اینکه تغییرات و نوسانات سبک زندگی زنان سالمند بواسطه انواع اصلی سرمایه (سرمایه فرهنگی و اجتماعی) تبیین می گردد، مورد تأیید قرار می گیرد. ضریب تعیین تعدیل یافته نشان می دهد که  $۳۳/۶$  درصد از تغییرات سبک زندگی زنان سالمند تحت تأثیر سه نوع سرمایه می باشد.

جدول (۷): خلاصه مدل، ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره تأثیر انواع سرمایه بر سبک زندگی

آماره های هم خطی		سطح معنی داری آزمون	مقدار آزمون	خطای معیار رگرسیون استاندارد نشده S.E	ضریب رگرسیون استاندارد شده بتا	ضریب رگرسیون استاندارد نشده	متغیرهای مستقل
Tolerance	VIF	t	t		Beta	b	
۰/۸۲۳	۱/۲۱۶	۰/۰۱۱	۲/۵۶۰	۰/۰۷۶	۰/۱۷۱	۰/۱۹۵	سرمایه فرهنگی
۰/۹۵۳	۱/۰۴۹	۰/۰۰۰	۷/۷۱۵	۰/۱۴۷	۰/۴۷۷	۱/۱۳۷	سرمایه اجتماعی

ضریب رگرسیون استاندارد شده بتا که وزن تأثیر را نشان می دهد، حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی مهمترین عامل در تبیین تغییرات سبک زندگی زنان سالمند می باشد و پس از آن، وزن سرمایه فرهنگی در رتبه دوم قرار می گیرد. در ادامه تحلیل های پیشرفته شایسته است که تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر تغییرات سبک زندگی زنان سالمند مورد واکاوی قرار گیرد. در این راستا با استفاده از تکنیک رگرسیون چند متغیره وزن تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر سبک زندگی زنان سالمند مشخص شد. خلاصه نتایج محاسبات آماری در جداول بعدی ارائه شده است.

جدول (۸): نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر سبک زندگی

روش ورود متغیرها	جبری
ضریب همبستگی چند گانه	$R = ۰/۵۷۷$
ضریب تعیین	$R \text{ Square} = ۰/۳۳۳$
ضریب تعیین تعدیل یافته	$\text{Adjusted R Square} = ۰/۳۱۱$
خطای معیار (خطای همبستگی)	$\text{Std. Error of the Estimate} = ۸/۹۵۸$

تحلیل واریانس	F = ۱۴/۶۷۱
سطح معناداری	Sig = ۰/۰۰۰

چنانچه مشاهده می شود، ضریب همبستگی چند گانه، ضریب تعیین، ضریب تعیین تعدیل یافته، خطای معیار برآورد (خطای همبستگی)، مقدار ضریب F و سطح معنی داری در جدول فوق گزارش شده است.

جدول (۹): خلاصه مدل؛ ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر سبک زندگی

آماره‌های هم خطی		سطح معنی داری آزمون t	مقدار آزمون t	خطای معیار رگرسیون استاندارد نشده S.E	ضریب رگرسیون استاندارد شده بتا	ضریب رگرسیون استاندارد نشده b	متغیرهای مستقل
Tolerance	VIF						
-	-	۰/۰۰۰	۱۳/۲۹۹	۳/۴۱۰	-	۴۵/۳۴۳	مقدار ثابت
۰/۳۵۳	۲/۸۳۶	۰/۰۰۰	۳/۶۱۴	۰/۱۹۶	۰/۳۷۵	۰/۷۰۸	اعتماد بین شخصی
۰/۷۳۰	۱/۳۷۰	۰/۰۰۰	۴/۰۰۵	۰/۱۸۱	۰/۲۸۸	۰/۷۲۶	مشارکت رسمی
۰/۸۱۸	۱/۲۲۳	۰/۲۲۴	۱/۲۱۹	۰/۴۳۱	۰/۰۸۳	۰/۵۲۶	اعتماد اجتماعی
۰/۳۱۶	۳/۱۶۵	۰/۳۲۹	-۰/۹۷۹	۰/۲۸۱	-۰/۱۰۷	-۰/۲۷۵	تعامل اجتماعی
۰/۷۰۶	۱/۴۱۶	۰/۲۴۲	۱/۱۷۴	۰/۱۱۴	۰/۰۸۶	۰/۱۳۴	مشارکت غیر رسمی
۰/۶۱۰	۱/۶۳۸	۰/۵۸۷	۰/۵۴۴	۰/۰۸۲	۰/۰۴۳	۰/۰۴۵	اعتماد نهادی

در معادله تحلیل رگرسیونی فوق صرفاً ابعاد سرمایه اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل وارد معادله شده اند. همان طور که ملاحظه می شود، برای معادله رگرسیون، آنالیز واریانس محاسبه گردیده و مقدار F برابر ۱۴/۶۷۱ و معنی دار بودن F نیز (Sig = ۰/۰۰۰) است که نشان می دهد سبک زندگی با ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت رسمی، اعتماد بین شخصی، تعامل اجتماعی، اعتماد نهادی، مشارکت غیر رسمی) دارای رابطه خطی مستقیمی است. بنابراین از میان فرضیه های اصلی تحقیق مبنی بر اینکه تغییرات و نوسانات سبک زندگی زنان سالمند بواسطه ابعاد سرمایه اجتماعی فقط (مشارکت رسمی، اعتماد بین شخصی) تبیین می گردد، مورد تأیید قرار می گیرد. ضریب تعیین تعدیل یافته نشان می دهد که ۳۱/۱ درصد از تغییرات سبک زندگی زنان سالمند تحت تأثیر ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی می باشد. ضریب رگرسیون استاندارد شده بتا که وزن تأثیر را نشان می دهد، حاکی از آن است که اعتماد بین شخصی مهمترین عامل در تبیین تغییرات سبک زندگی زنان سالمند می باشد. پس از آن، وزن مشارکت رسمی در رتبه دوم، تعامل اجتماعی در رتبه سوم، مشارکت غیر رسمی در رتبه چهارم، اعتماد اجتماعی در رتبه پنجم قرار می گیرد و در نهایت آخرین عامل موثر بر تغییرات سبک زندگی زنان سالمند، اعتماد نهادی می باشد.

جدول (۱۰): نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره تأثیر ابعاد سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی

روش ورود متغیرها	جبری
ضریب همبستگی چند گانه	R = ۰/۳۰۳
ضریب تعیین	R Square = ۰/۰۹۲
ضریب تعیین تعدیل یافته	Adjusted R Square = ۰/۰۲۱
خطای معیار (خطای همبستگی)	Std. Error of the Estimate = ۸/۸۲۲
تحلیل واریانس	F = ۱/۲۹۴
سطح معناداری	Sig = ۰/۲۷۸

چنانچه مشاهده می شود، ضریب همبستگی چند گانه، ضریب تعیین، ضریب تعیین تعدیل یافته، خطای معیار برآورد (خطای همبستگی)، مقدار ضریب F و سطح معنی داری آن در جدول فوق گزارش شده است. در این معادله، میزان خطای معیار یا خطای همبستگی برابر با ۸/۸۲۲ می باشد. این شاخص نشان دهنده میزان قدرت پیش بینی معادله ی رگرسیون چند متغیره می باشد. ضریب تعیین ۰/۰۹۲ حاصل شده و ضریب تعیین تعدیل یافته به ۰/۰۲۱ تقلیل یافته است.

جدول (۱۱): خلاصه مدل؛ ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره تأثیر ابعاد سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی

آماره‌های هم خطی		سطح معنی داری آزمون t	مقدار آزمون t	خطای معیار رگرسیون استاندارد نشده S.E	ضریب رگرسیون استاندارد شده بتا Beta	ضریب رگرسیون استاندارد نشده b	متغیرهای مستقل
Tolerance	VIF						
-	-	۰/۰۰۰	۱۷/۰۳۴	۴/۷۲۹	-	۸۰/۵۵۶	مقدار ثابت
۰/۷۷۹	۱/۲۸۴	۰/۳۶۱	۰/۹۲۱	۰/۱۸۱	۰/۱۲۴	۰/۱۶۶	مصرف فرهنگی
۰/۵۱۵	۱/۹۴۳	۰/۴۴۵	۰/۷۶۹	۰/۰۵۰	۰/۱۲۸	۰/۰۳۹	تعداد کتاب
۰/۶۵۹	۱/۵۱۶	۰/۷۷۶	۰/۲۸۵	۰/۲۰۷	۰/۰۴۲	۰/۰۵۹	تعداد آثار هنری
۰/۸۵۸	۱/۱۶۵	۰/۳۰۷	-۱/۰۳۱	۱/۵۵۶	-۰/۱۳۳	-۱/۶۰۴	آشنایی با زبان خارجی
۰/۸۸۱	۱/۱۳۵	۰/۰۳۸	-۲/۱۱۸	۰/۳۰۱	-۰/۲۶۹	-۰/۶۳۶	مصرف رسانه ای

همان طور که ملاحظه می شود، در معادله تحلیل رگرسیونی فوق صرفاً ابعاد سرمایه فرهنگی به عنوان متغیرهای مستقل وارد معادله شده اند. برای معادله رگرسیون، آنالیز واریانس محاسبه گردیده و مقدار F برابر ۱/۲۹۴ و معنی دار بودن F نیز (Sig = ۰/۲۷۸) است که نشان می دهد سبک زندگی با ابعاد سرمایه فرهنگی (مصرف فرهنگی، تعداد کتاب، تعداد آثار هنری، زبان خارجی، مصرف رسانه ای) دارای رابطه خطی مستقیمی است. بنابراین از میان فرضیه های اصلی تحقیق مبنی بر اینکه تغییرات و نوسانات سبک زندگی زنان سالمند بواسطه ابعاد سرمایه فرهنگی فقط (فقط مصرف رسانه ای) تبیین می گردد، مورد تأیید قرار می گیرد.

ضریب تعیین تعدیل یافته نشان می دهد که ۲/۱ درصد از تغییرات سبک زندگی زنان سالمند تحت تأثیر ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی می باشد. ضریب رگرسیون استاندارد شده بتا که وزن تأثیر را نشان می دهد، حاکی از آن است که مصرف رسانه ای مهمترین عامل در تبیین تغییرات سبک زندگی زنان سالمند می باشد. پس از آن، وزن زبان خارجی در رتبه دوم، تعداد کتاب در رتبه سوم، مصرف فرهنگی در رتبه چهارم قرار می گیرد. و در نهایت آخرین عامل موثر بر تغییرات سبک زندگی زنان سالمند، تعداد آثار هنری می باشد.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می دهد که بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. نکته حائز اهمیت وزن بیشتر سرمایه اجتماعی نسبت به سرمایه فرهنگی می باشد. گویی اعتماد، مشارکت و تعامل اجتماعی به عنوان عناصر اصلی سرمایه اجتماعی تعیین کننده موثرتری در سبک زندگی زنان سالمند هستند. ضریب رگرسیون استاندارد شده بتا که وزن تأثیر را نشان می دهد نیز حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی مهمترین عامل در تبیین تغییرات سبک زندگی زنان سالمند می باشد و پس از آن، وزن سرمایه فرهنگی در رتبه دوم قرار می گیرد. تحلیل رگرسیونی نیز نشان می دهد سبک زندگی با ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت رسمی، اعتماد بین شخصی، تعامل اجتماعی، اعتماد نهادی، مشارکت غیر رسمی) دارای رابطه خطی مستقیمی است. لذا می توان گفت تغییرات و نوسانات سبک زندگی زنان سالمند تحت تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی (مشارکت رسمی، اعتماد بین شخصی) قرار دارد. البته اعتماد بین شخصی مهمترین عامل در موثر در سبک زندگی زنان سالمند می باشد. پس از آن، مولفه های مشارکت رسمی، تعامل اجتماعی، مشارکت غیر رسمی، اعتماد اجتماعی به ترتیب در رتبه های بعدی تأثیرگذاری قرار دارند و در نهایت آخرین عامل موثر بر تغییرات سبک زندگی زنان سالمند، اعتماد نهادی می باشد.

نتایج این تحقیق که نشان دهنده تأثیر سرمایه اجتماعی بر سبک زندگی زنان سالمند است با نتایج پژوهش های زارع و همکاران (۱۳۹۲)، مسعودی (۱۳۹۷)، کیم و کاواکی (۲۰۰۷) احمدی و همکاران (۱۳۹۵) همسو می باشد. مطالعات نشان داده است که تنهایی و کاهش درآمد اقتصادی از مهم ترین مشکلات زنان سالمند می باشد و از آنجایی که سرمایه اجتماعی قابلیت تبدیل به سایر سرمایه ها از جمله سرمایه اجتماعی را دارد، و میزان انباشت سرمایه، سبک زندگی های متفاوتی را بوجود می آورد، پس سرمایه اجتماعی

می تواند کاهش سرمایه اقتصادی زنان در دوران سالمندی را جبران نماید و به احساس تنهایی آنان فائق آید و افزایش و ارتقاء این سرمایه می تواند سطح روابط فردی را به سطح روابط جمعی ارتقاء دهد.

همچنین نتایج این پژوهش نشان می دهد بین سرمایه فرهنگی با سبک زندگی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد که این نتیجه، با نتایج پژوهش های شوارتز و مارلین (۲۰۰۰)، نیازی و همکاران (۱۳۹۷)، خوش فر و همکاران (۱۳۹۶)، احمدی و همکاران (۱۳۹۵)، محمدی (۱۳۹۰)، غائب (۱۳۸۶) و مسعودی (۱۳۹۷) همسو می باشد ولی با مطالعه زارع و همکاران (۱۳۹۲) مبنی بر اینکه سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی بی تاثیر است ناهمسو می باشد. همانطور که سرمایه اقتصادی می تواند برای صاحب خود، سرمایه فرهنگی ایجاد کند و سرمایه فرهنگی نیز با کارکردهای خود سرمایه اقتصادی بوجود می آورد، لذا سرمایه فرهنگی می تواند در فرایند جامعه پذیری و تثبیت این فرایند نقش بسزایی داشته باشد. لذا می توان گفت؛ سرمایه فرهنگی می تواند در روند آموزشهای رسمی و غیر رسمی خانوادگی تثبیت شود و ظرفیت های شناختی افراد را در استفاده از کالاهای فرهنگی بالا ببرد و از طرفی دارندگان سرمایه فرهنگی بالا در طبقه اجتماعی بالاتر و سبک های زندگی با کیفیت متفاوت تری نسبت به دیگران قرار می گیرند.

بنا بر این اهمیت توجه به سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی در ایجاد سبک زندگی به روشنی مشخص است و کسب سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی یکی از راه های مهم ارتقاء سبک زندگی در زنان سالمند است و بیش از عوامل دیگر سبک زندگی را تبیین می نماید. لذا پیش نهاد می گردد، سیاست گذاران و برنامه ریزان توجه مضاعف و بیشتری را در تقویت و ارتقاء سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی در دوران قبل از سالمندی و سالمندی داشته باشند تا موجبات زندگی توأم با سلامت جسم و روان را برایشان فراهم کنند.

## منابع

۱. احمدی، یعقوب، محمد زاده، حسین، علی رمائی، سیمین (۱۳۹۵) مجله رفاه اجتماعی، شماره ۶۱، صص ۱۳۹-۱۰۷
۲. امیراحمدی، رحمت اله، نوابخش، مهرداد (۱۳۹۵) تاثیر سرمایه فرهنگی بر توسعه شهری با تاکید بر مشارکت شهروندان در نوسازی بافت های فرسوده، مجله مطالعات توسعه اجتماعی، سال هشتم، شماره سوم.
۳. بوردیو، پیر، ۱۳۸۱، نظریه کنش، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، انتشارات نقش و نگار، صص ۳۱، ۳۰، ۸.
۴. بهنوئی گدنه، عباس، جوانان، سبک زندگی و هویت اجتماعی، ارزیابی جامعه شناختی سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان بابل، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، شماره ۱، ۱۳۹۱، صص ۱۰۶-۸۷
۵. تاجور، مریم (۱۳۸۲) بهداشت سالمندان و مروری بر جنبه های مختلف زندگی آنان، انتشارات نسل فردا
۶. جان فیلد، سرمایه اجتماعی، ترجمه حسین رضایی، غلامرضا غفاری (۱۳۹۲)، نشر کویر، صص ۵۶-۱۷
۷. جدیدی، محسن، غفاری، ابراهیم، جباری، طاهره، ۱۳۹۷، کتابچه نیازهای سالمندی، طرح جامع نیازسنجی کمی و کیفی خدمات سالمندی، سازمان بهزیستی استان گلستان، صص ۴۷
۸. زارع، بیژن، کاوه فیروز، زینب، سلطانی، محمدرسول (۱۳۹۲)، تعیین کننده های سرمایه ای سبک زندگی سلامت محور سالمندان تهرانی، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، دوره ۸ شماره ۱۶، صص ۱۳۸-۱۱۷.
۹. شارع پور، م، خوش فر، غ، ۱۳۸۱، رابطه سرمایه فرهنگی با هویت جوانان "مطالعه موردی شهر تهران" نامه علوم انسانی، شماره ۲۰، صص ۱۴۷-۱۳۳
۱۰. شجاعی باغینی، مهدی (۱۳۸۷) مبانی مفهوم سرمایه اجتماعی، نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، صص ۳۳۳-۵۴.
۱۱. شیرازی خواه، مرضیه، موسوی میرطاهر، صحاف، رباب، سرمدی، مجید، (۱۳۹۰) مطالعه شاخص های بهداشتی و اجتماعی زنان سالمند در ایران، فصلنامه سالمندی، شماره ۲۳، صص ۷۸-۶۶
۱۲. صفار هرنندی، سجاد، ۱۳۸۹، تاریخچه تولد مفهوم سبک زندگی در علوم اجتماعی، باشگاه مجلات تخصصی نور، شماره ۴۶ و ۴۷، صص ۶۱-۶۰
۱۳. غائب، ف. (۱۳۸۶). سرمایه فرهنگی و تاثیر آن بر سبک زندگی دختران نوجوان شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.

۱۴. غلامزاده، خلیل (۱۳۸۷)، رابطه بین اعتماد اجتماعی و انجمن های داوطلبانه، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۲۴۳-۲۲۱
۱۵. قاسمی، و، ربانی، ر، ربانی خوراسگانی، علی و علیزاده، م، ب. (۱۳۸۷) تبیین کننده های ساختاری و سرمایه ای سبک زندگی سلامت محور، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال ۱۶، شماره ۶۳، صص ۲۱۳-۸۱
۱۶. قاضی طباطبایی، سید محمود، میرزایی، محمود، کوشکی، مجید، ۱۳۸۷، نابرابری های جنسیتی در زندگی خانوادگی سالمندان تهرانی، شماره ۱۱، صص ۲۴-۲۱
۱۷. گنجی، حسین بر، م و کریمیان، م (۱۳۹۴)، بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سبک زندگی در میان مردان شهر زاهدان، فصلنامه جامعه شناسی سبک زندگی، شماره ۲، صص ۱۷۶-۱۲۹
۱۸. گیدنز، آنتونی ۱۳۸۲، تجدد و تشخیص، تهران: نشر نی، صص ۱۲۱
۱۹. الماسی، مسعود (۱۳۹۷)، تعیین کننده های سبک زندگی سلامت محور در سالمندان شهر ایلام، مرکز تحقیقات پرستاری دانشگاه علوم پزشکی، نشریه پرستاری ایران، دوره ۳۱، صص ۸۵-۷۸
۲۰. محسنی تبریزی، علی رضا؛ همایونپور، هرمز ۱۳۷۹، بررسی وضعیت سالمندان در ایران، فصلنامه تامین، ۲، ۲۰۸-۱۸۷
۲۱. مرکز آمار ایران (۱۳۸۶-۱۳۹۰) نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن. سایت سازمان آمار ایران
۲۲. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن. سایت سازمان آمار ایران
۲۳. ملک افضلی، همکاران، ۱۳۸۴، بسیج جامعه برای ارتقاء سلامت سالمندان در محله اکباتان تهران، شماره ۴، دوره ۹
۲۴. مولودی زاده، اکرم، خوش فر، غلامرضا (۱۳۹۶) سبک زندگی اسلامی ایرانی و مصرف فرهنگی فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۹، صص ۱۲۹-۱۰۶
۲۵. مهریار، امیر هوشنگ و همکاران، (۱۳۸۶) نشست تخصصی بررسی ابعاد سالخوردگی جمعیت در ایران: گفتگوی سیاستی در باب سالمندان "تهران
۲۶. نیازی، م، و شعاع، ص، ۱۳۹۵، "فرا تحلیل بر ارتباط سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن" مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۱۳ شماره ۴، صص ۱۰۵-۷۵

1. Bordiue P.(1985)The form of caphtal In Handbook Of theory and Research for the Sociology or Educathon.(ed).JG.Richardsson.NewYork:Greenwood,
2. Bourdieu, P. (1997)"Distinction"Combridge, Harvard University Press.
3. BourdieuTP. (2011).the forms of capital (1980).cultural Theory: an anthology.1-81-93.
4. Jakesova Jitka (2015). Assessment of the Needs and Feelings of Depression of seniors in Residential Social Services. Selected Results Procedia - Social and Behavioral Sciences, 174, 12,
5. Kim,D&Kawachi,I,(2007),"U.S.State Level Social and Health Related Quality of Life" AEP,Vol,17,No.4.4
6. Mac Keller (2002) Vienna, Year Book population Aging."St/esa/ser.a/207.New York/2002.PP1-45
7. Schwartz,A.M&MB,Scott(2000).Sosialogy.London:Allyan and Bacon